

#### دختری که در زندان زاده شد

**محمد بلوری / قسمت هفتم:** مهرداد کوچولو، در پرورشگاه با رویاهای کودکانه‌اش دل به پروانه‌ای سپرده بود تا با فرار از پرورشگاه این پروانه رنگین بال را در شلوغی شهر پرواز بدهد و آنگاه در پی او بدود تا والدینش را پیدا کند. خیال می‌کرد پروانه‌اش می‌تواند پدری را مادر نادیده او را پیدا کند و اگر روزی شانه مردی یا زنی نشست، پدر یا مادر نادیده اوست...

\*\*\*

بچه‌های خردسال پرورشگاه در برابر زنان صف بستند آنها آمده بودند دختری یا پسری را به فرزندخواندگی انتخاب کنند و با خودش ببرند. در نگاه هر کودکی رؤیای شوق‌انگیزی بود که می‌خواست لبخند و گرمی آغوش مادرانه‌ای را احساس کند و برای نخستین بار قدم در خانه‌ای بگذارد که در چارویورای‌اش مادری بود با لبخند و آغوشی که متعلق به خود او بود...

این بچه‌های آرزومند مهر مادری با اشتیاق سوزان در انتظار آغوش‌بازی یکی از زنان صف بسته بودند. انگار عروسک‌های پشت وپترین مغازه اسباب‌بازی فروشی هستند تا خریداری از راه برسد و یکی‌شان را انتخاب کند و با خودش ببر.

کودکان ایستاده در صف انتظار، هرگاه زنی در برابرشان می‌ایستاد، قلب کوچکش‌شان در سینه به تپش درمی‌آمد و هر کدام شوق این را داشت که در آغوش مادری آرام بگیرد. در میان این کودکان سراسری مهتاب کوچولو نگران این بود که مبادا لبخند و نگاه یکی از زنان به چهره او ثابت بماند، دستش را بگیرد و به عنوان فرزند خوانده‌اش با خود ببرد. منتظر بود مهرداد کوچولو را را از دروازه پرورشگاه بیرون ببرد تا با فرار به شهر در شلوغی یک خیابان پروانه رنگینش را پرواز بدهد. آنگاه به دنبالش بدود تا ببیند برشانه کدام مردی می‌نشیند که پدرگمشده اوست. مهرداد این قول را هم به مهتاب کوچولو داده بود که از پروانه‌اش بخواهد در پی مادر گمشده او هم پرواز کند...

\*\*\*

مهرداد با قلبی که از هیجان و اضطراب می‌تپید، دور از چشم دربان، در میان زنان و مردانی که پرورشگاه را ترک می‌کردند از دروازه بیرون رفت. از جمع آنها جدا شد در میان رهگذران شروع به دویدن کرد. می‌دوید و ترس را در پس سرش احساس می‌کرد. می‌ت رسید نگهبان دروازه پرورشگاه در تعقیبش باشد، غافلگیرش کند و او را به پرورشگاه برگرداند. توی جیبش قوطی پروانه را توی مشتش گرفته بود و می‌دوید تا به ازحام رهگذران برسد. سربک چهارراه که رسید، از نفس افتاد. بر لب جوی آب نشست تا قلبش از تپش آرام بگیرد. چهارراه انتظار محل تلاقی دو سیلاب بود سیلابی از آدم‌ها و ماشین‌ها که از راه می‌رسیدند، به فرمان چراغ‌های سرخ و سبز متراکم می‌شدند و دوباره به فرمان چشم‌های سبز و سرخ جریان می‌یافتند. با خود فکر می‌کرد این چشم‌های سبز و سرخ درخشان چه کسانی است که توی آدمک‌های آهنی پنهان شده‌اند و به آدم‌ها و ماشین‌ها فرمان می‌دهند؟ نگاه حیرت‌زده‌اش به خط‌ها و چشم‌های سبز و سرخ و علامت‌های کف خیابان‌ها بود و آدم‌ها مثل مورچه‌های سواری به نظر می‌آمدند که بی‌سلام و تعارف و لبخند می‌آمدند و می‌گشتند و همه به فرمان چشم‌های رنگ‌بهر رنگ بودند.

پسرک با خود فکر کرد: -این همه آدم غریب از هم، دارند به کجا فر می‌کنند؟ در هوای تیره از دود ماشین‌ها و دودکش‌ها به سرفه افتاده بود. در میان زنجیره خودروها نگاهش به اتومبیلی بود که مردی به سقف آن چند پونه کاشته بود و با آبیاش پلاستیکی‌اش آب‌شان می‌داد. پیرمردی ژولیده موی که پالتوی کهنه نظامی به تن داشت در میان خودروها می‌دوید تا قناری‌هایی که در یک قفس داشت به آدم‌ها بفروشد. قناری‌هایی با منقارهای فلزی‌شان مثل کوکو گوی ساعت‌های دیواری به نظر می‌آمدند. با خودش فکر کرد این آدم‌هایی که مثل مورچه‌های سواری شتابان و بیگانه از هم در گریز هستند باید کوی باشند و دلش می‌خواست برود دستی به صورت‌شان بکشد یا برایشان شکلک در بیاورد تا ببیند خندیدن بلندند یا نه! لکنه بابام هم صورت سربی داشته باشه؟

به‌یاد پروانه‌اش افتاد. در شلوغی پیاده‌رو دست توی جیبش فروبرد. قوطی کوچکی را که پروانه رنگینش در آن بود، بیرون آورد. گفت: همینجا پروازش می‌دم روز سر آدم‌ها. اول بشینه نشونه بابام. ره‌ایش کرد...

▪ ادامه دارد

## ۵ کشته در ۳ تصادف رانندگی



**گروه حوادث/** وقوع سه تصادف رانندگی جاده ای در دومین روز هفته ۵ کشته و ۳۱ مصدوم بر جا گذاشت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، در نخستین حادثه که در جاده دینور – بیلوار کرمانشاه رخ داد، خودروی پژو ۴۰۵ با ۶ سرنشین واژگون شد؛ در پی این سانحه رانندگی زن و شوهری که راننده و سرنشین جلو بودند در دم فوت کردند و ۴ فرزند آنها مصدوم شدند.سرهنگ «محمد حیدری» رئیس پلیس راه استان کرمانشاه در این باره گفت: پس از اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر یک مورد واژگونی خودرو تیمی از مأموران پلیس راه در محل حاضر شدند و در بررسی‌های کارشناسان پلیس راه مشخص شد یک دستگاه خودروی پژو ۴۰۰ حوالی روستای «بان مله» به علت سرعت غیرمجاز از جاده منحرف و واژگون شده است؛ در این حادثه راننده ۴۰ ساله و همسر ۳۵ ساله‌اش به علت شدت جراحات وارده کشته شدند و همچنین ۳ پسر و یک دختر خانواده که دیگر سرنشینان خودرو بودند مصدوم شده و به مراکز درمانی انتقال پیدا کردند.

▪ **برخورد ۳ خودرو در محور مراغه – هشتدرود**

دومین سانحه رانندگی مرگبار در محور مراغه – هشتدرود رخ داد و ۳ نفر جان باختند. وحید شادی نیا سخنگوی اورژانس استان آذربایجان شرقی در این باره گفت: حوالی ساعت ۱۱:۰۰ روز یکشنبه برخورد سه خودروی پژو ۴۰۰، پریشیا و پراید در محور هشتدرود به مراغه به مرکز اورژانس اطلاع داده شد و بلافاصله دو اکیپ اورژانس از هشتدرود و یک تیم از هلال احمر عازم محل شدند. کارشناسان اعزامی پس از بررسی‌های اولیه فوت دو مرد را در محل تأیید و ششی مصدوم را به بیمارستان امام حسین(ع) هشتدرود منتقل کردند که یکی از مصدومان دقایقی پس از ورود به بیمارستان فوت کرد؛ علت این سانحه از سوی کارشناسان پلیس راهور در دست بررسی است.

▪ **مصدومیت ۲۲ نفر به دلیل برخورد اتوبوس با کامیون**

در سومین سانحه رانندگی که مربوط به برخورد یک دستگاه اتوبوس با کامیون در جاده قدیم بود، ۲۲ نفر مصدوم شدند. پیمان صابریان رئیس مرکز اورژانس تهران در باره جزئیات این سانحه گفت: حوالی ساعت ۲:۴۰ صبح یکشنبه، خبر تصادف یک دستگاه اتوبوس با کامیون در جاده قدیم قم (حسن آباد فاشویه) گزارش شد و بلافاصله یک دستگاه اتوبوس امبولانس و هفت دستگاه آمبولانس به محل حادثه اعزام شد. وی در ادامه افزود: در این سانحه ۲۲ نفر مصدوم شدند که از این تعداد ۲۱ نفر توسط تکنیسین‌های اورژانس بعد از اقدامات اولیه به بیمارستان‌های هفت‌تیر، بهارلو، لقمان و شهدای پاک‌دشت انتقال پیدا کردند و یک نفر در محل درمان شد.

# قاتل زن افغانستانی از چوبه دار نجات یافت

**گروه حوادث/** کارگر رستوران که در جنایتی شبانه، زنی افغانستانی را به قتل رسانده بود با رضایت اولیای دم و تلاش واحد صلح و سازش دادسرای امور جنایی تهران از قصاص رهایی یافت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ۱۹ دی سال ۹۵، مرد میانسال‌ی با پلیس تماس گرفت و از قتل همسرش خبر داد، او گفت: من شب‌ها سر کار می‌روم، امروز صبح که به خانه آمدم از همسرم خبری نبود. در حالی که داشتم اتاق‌ها را می‌گشتم ناگهان پاهای همسرم را دیدم که از زیر تخت بیرون زده بود؛ وقتی او را بیرون کشیدم شوکه شدم چرا که دست و پاهایش را بسته بودند و سر و صورتش خونی بود. آثار خون روی دیوارها هم دیده می‌شد. با تماس این مرد، تیم جنایی راهی محل حادثه شده و در نخستین بررسی‌ها قاتل زن میانسال تأیید شد. معاینات اولیه متخصصان پزشکی قانونی نشان می‌داد که این زن ۵۰ ساله بر اثر خفگی به قتل رسیده است.

گوشی تلفن همراه و طلاهای زن میانسال به نام رویا نیز سرقت شده بود. از آنجا که درهای ورودی خانه سالم بود احتمال وقوع قتل از سوی یک آشنا قوت گرفت و در تحقیقات اولیه، همسر رویا

به‌عنوان نخستین مظنون پرونده بازداشت شد اما مدارک و شواهدی به‌دست آمد که نشان می‌داد وی در این جنایت بی‌گناه است.

▪ **دستگیری کارگر رستوران**

بدین ترتیب او آزاد شد و در ادامه بررسی‌ها، تیم جنایی ردپای مرد جوانی را در پرونده به‌دست آوردند. مرد جوانی به‌نام هرمز که در رستورانی مشغول به کار بود و آخرین بار با مقتول تماس داشت. هرمز بازداشت شد اما در حالی که منکر قتل بود تناقض‌گویی‌های وی و اظهارات همکارانش در این خصوص که شب جنایت وی در رستوران نبوده و ساعت ۳ بامداد برگشته است همچنین هذیان‌گویی‌های عجیب وی در خواب که از یک جنایت خبری می‌داد باعث شد تا متهم ۳۲ ساله راز جنایت را برمالا کند.

او گفت: حدود سه ماه قبل با رویا آشنا شدم. اوایل به من گفت که مجرد است، من هم به او علاقه‌مند شدم اما وقتی گفت متاهل است و نمی‌تواند با من ازدواج کند خیلی عصبانی شدم. شب حادثه ماده مخدر شیشه مصرف کرده بودم، به خانه رویا رفتم تا با او صحبت کنم که دعوایمان شد. در این درگیری سرش را چندین بار



انداختم و به‌خانه برگشتم. به دنبال اعتراف پسر جوان، فریبا نیز گفت: پسر خاله‌ام مرا شدند و با توجه به مدارک موجود امیر را به قصاص و به‌خاطر رابطه پنهانی به شلاق محکوم کردند. فریبا نیز به‌خاطر معاونت در قتل به زندان و به پرونده آنها به پسرخاله‌اش به شلاق محکوم شد. حکم صادره در دیوان عالی کشور تحت بررسی قرار گرفت و احکام تأیید شد. اما قضات دیوان عالی کشور پرونده را برای کیفرخواست صادر شد و پرونده آنها به شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال کردند تا به اتهام تازه آنها رسیدگی شود.

است، برای هر ۴ متهم درخواست قصاص کردند.

پس از آن جمعه به جایگاه رفت و ضمن انکار اتهام قتل گفت: ساعت ۱۲ شب بود که سعید با من تماس گرفت و از من خواست تا به صفادشت بروم. وقتی به آنجا رفتم، با او و زکی و وکیل روبه‌رو شدم. جسد یک مرد ناشناس که دست و پایش با طناب بسته شده بود، در صندلی عقب پراید سعید قرار داشت. من از دیدن جسد ترسیدم او گفت سر خرید ۳۰ کیلوگرم تریاک با خسرو درگیر شده و آنها، او را کشته‌اند.

در پایان جلسه قضات دادگاه وارد شور شدند و هر یک از متهمان را به قصاص و هفت سال زندان محکوم کردند. این حکم برای ۳ متهم فراری نیز به صورت غیابی صادر شد.

اما جمعه به حکم صادره اعتراض کرد و پرونده در شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور تحت رسیدگی قرار گرفت. قضات دیوان عالی کشور حکم صادره را نقض و اعلام کردند با توجه به متواری بودن ۳ متهم پرونده، دلایل کافی برای مجرم بودن جمعه وجود ندارد و به نظر می‌رسد اتهام‌وی شرکت در اخفای جسد و دفن متعدد به سر و خفگی اعلام شدن حکم قصاص جمعه، پرونده به شعبه ۱۱ دادگاه کیفری تهران فرستاده شد تا بار دیگر به پرونده رسیدگی شود. قضات شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران مشارکت در قتل کیفرخواست صادر و پرونده به شعبه ۱۷ دادگاه کیفری تهران فرستاده شد. در جلسه محاکمه پدر و مادر قربانی و همسر وی که قیم پسر خردسالش

## مرگ ۳ جست و جوگر گنج در غار بابا احمد



**گروه حوادث/** سه مرد که به قصد یافتن اشیای عتیقه وارد غار بابا احمد چالدران شده بودند بر اثر متساعد شدن گاز در داخل غار، جان خود را از دست دادند.

سجاد اسماعیل زاده، رئیس جمعیت هلال احمر ماکو با بیان این مطلب گفت: طی روزهای گذشته سه نفر برای جست و جوی اشیای عتیقه به غار بابا احمد رفته بودند که جان باختند و جسد دو نفر از آنها خارج شد و جسد یک نفر دیگر نیز در حال شناسایی است.وی با بیان اینکه اولین جسد که متعلق به یک مرد سندجی بود بعد از ۱۲ ساعت عملیات طاقت فرسا در غار بابا احمد کشف و خارج شد، تصریح کرد: دودوست دیگر که جان باختند اهل ماکو و خوی هستند که بعد از ۴ روز گرفتاری در غار بابا احمد چالدران، بر اثر انتشار گاز سمی، جان خود را از دست دادند. اسماعیل زاده تصریح کرد: این عملیات به دلیل نبود غارنورد ماهر و آشنا به ویژگی‌های این غار به کندی پیش می‌رفت، اما با ورود کمیته مدیریت بحران و حضور غارنوردان، عملیات پیگیری خواهد شد.

### آخرین وضعیت حادثه دیدگان

مدرس‌ه کانکسی در فول

## ۱۲ دانش آموز و ۲ معلم در بخش مراقبت‌های ویژه

**گروه حوادث/** رئیس بیمارستان سوانح و سوختگی اهواز روند درمانی سه معلم و سه دانش آموزی را که در حادثه آتش سوزی مدرسه کانکسی در منطقه چشمه شیرین بخش سردشت دزفول دچار سوختگی شده بودند، تشریح کرد.

دکتر پیمان نجاتی درباره وضعیت جسمانی این ۶ معلم و دانش آموز گفت: «این ۶ مصدوم به بیمارستان سوانح و سوختگی آیت‌الله طالقانی اهواز منتقل شدند. روزهای اول یکی از معلمان با رضایت شخصی به یکی از بیمارستان‌های اصفهان اعزام شد و در حال حاضر سه دانش آموز و دو معلم در بیمارستان طالقانی اهواز بستری هستند. دو دانش‌آموز که دچار سوختگی ۸۵ درصدی و دیگری ۵۷ درصدی شده و یک معلم که ۳۷ درصد سوختگی دارد در بخش مراقبت‌های ویژه بستری هستند و یک معلم و یک دانش‌آموز دیگر نیز در بخش سوختگی مردان هستند و حال عمومی خوبی دارند، اما درباره وضعیت آنها در آینده نمی‌توان نظری داد.»

این حادثه شامگاه دوشنبه ۲۹ دی رخ داد و ۳ معلم به نام های حسین رضائی می‌قائد، علی مرادی و مجید اسپیره و ۳ دانش آموز ۱۴، ۱۶ و ۱۷ ساله بر اثر آتش سوزی مصدوم شدند.

در همین رابطه حاجی میرزایی، وزیر آموزش و پرورش گفت: این یک حادثه بود و ممکن است در هر زمانی و در هر نقطه از کشور چنین حادثه‌ای اتفاق بیفتد. ما اولویت اول ما این است که همه دانش آموزان از امکانات آموزش برخوردار باشند حتی اگر در چادر یا کانکس و واحد استیجاری است. در درجه اول باید اطمینان بایم هیچ دانش آموزی از آموزش محروم نخواهد شد؛ در گام دوم باید برای اصلاح فضای آموزشی اقدام کنیم. در ادامه وزارت آموزش و پرورش نیز اطلاعیه‌ای صادر کرد. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: «این حادثه بر اثر برخورد صاعقه به کانکس محل اسکان فرهنگیان رخ داد که سه نفر از معلمان در منطقه چشمه شیرین و ننگرستان بخش سردشت دزفول دچار سوختگی شدند. یکی از فرهنگیان آسیب دیده در این حادثه با رضایت معلمان عشایری و دونفر دیگر نیز از معلمان روستایی بودند که شب حادثه برای اقامت در این کانکس مستقر شده بودند.

وزیر آموزش و پرورش به کورش مؤدت – مدیرکل آموزش و پرورش خوزستان – مأموریت داد که این موضوع را مورد پیگیری جدی قرار دهد. در عین حال مدیرکل آموزش و پرورش خوزستان به نیابت از وزیر آموزش و پرورش مأموریت یافت که نسبت به انتقال یکی از فرهنگیان آسیب دیده در این حادثه با رضایت خانواده ایشان به بیمارستان سوانح سوختگی اصفهان اقدام کند. وزیر همچنین در نشست شورای معاونین اداره کل آموزش و پرورش خوزستان خواهان بررسی دقیق و کارشناسی این موضوع با قید فوریت شد.